

تو خدای خویشتنی
در مسیر عشق و رزی، خودشناسی و موفقیت

ایمان صالح نژاد

www.ketab.ir

سرشناسه: صالح‌نژاد، ایمان، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور: تو خدای خویشنی : در مسیر عشق و رزی، خودشناسی و موفقیت
/ایمان صالح‌نژاد.

مشخصات نشر: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۱۱۸ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۴۵-۸۵-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
عنوان دیگر: در مسیر عشق و رزی، خودشناسی و موفقیت.
موضوع: عزت نف
موضوع: موفقیت
موضوع: اعتماد به نفس
رده بندی کنگره: ۵/۶۹۷B ۱۳۸۹ ۲ ص ۴ع/
۱/۱۵۸
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۴۹۸۰۲



گفتمان اندیشه معاصر

- ۰۹۱۲۲۵۱۳۲۲۸

gofتمان۵۴@yahoo.com

gofتمان۵۴@hotmail.com

www.Gofتمان۷۶.ir

تو خدای خویشنی

در مسیر عشق و رزی، خودشناسی و موفقیت

نویسنده: ایمان صالح‌نژاد ویراستار: محمد کارگر

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر طرح جلد: محمد آرزندی

شمارگان: ۱۰۰۰ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۴۵-۸۵-۶ قیمت: ۷۰۰۰ تومان نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۵

در این کتاب می‌خوانید:

- یادداشتی از طرف خدا / ۱۰
- نیمه‌ی گمشده‌ی خودتان را بیابید / ۱۳
- چگونه به همه‌ی اهداف خود دست یابیم / ۴۰
- بیشتر مواقع به هر چه بیندیشی همان خواهی شد / ۵۲
- بزرگترین ثروتی که از آن غافلید / ۶۴
- تو میزبان دردمندی‌ها نیستی / ۷۲
- بنده‌ی عاداتهای خویش نباشید / ۷۹
- برای کشف حقایق وجودتان از کنجکاوی خود بهره بجوید / ۸۷
- تصمیمات سازنده یا ویرانگر / ۹۳
- اگر می‌خواهی زودتر موفق شوی / ۱۰۰
- زندان بان و زندانی هردو اسیرند / ۱۰۸
- نگریستن به پیروزی / ۱۱۱
- نیایش پیروزی / ۱۱۵

مقدمه:

یک روز که سنگینی بار مشکلات زندگی به اوج خود رسیده بود و داشت پشتم را خم می کرد قلم و کاغذی برداشتم و بر صفحه ای، حبری رنگ شروع به نوشتن کردم. برای خدای خودم درد دل ها کردم و حرف های دلم را گفتم و گله ها کردم:

بارالها، اینجا دیگر کجاست که رهایم کرده ای، من اینجا غریبم و چشمانم از سوگ تنهایی می سوزد، برگرداگرد خود آستینی تنیده ام تا اندوه روزگارنم را زیر تبسم های ظاهری پنهان کنم.

من که فکر کوچ و رحیل در سرم نبود، کوله باری به من دادی و از آشیانه ام بیرونم کردی. من پرواز را نمی دانستم، گفتمی که برای درک پر کشیدن باید آشیانه را ترک کرد. مگر آنجا منزل جانان نبود که مرا به این خرابات فرستادی!

گفتم خدایا من فقط به تو می نازم، بندگی تو و عشق تو فخر و مباهات من است و این را دائم بر سر زبان می آورم.

«گمان بردی که من لیلی پرستم من آن لیلای لیلی می پرستم»

و بر تو توکل کرده ام «علی الله توکلنا»، به تو که لطف و رحمت همه را در برمی گیرد، «رحمتی وسعت کل شی» و به همه اذن سربرداری داده ای ... مگر نگفتی که قصر شفاعت جز به پرستش نمی لرزد؛ امروز من برای دعا آمده ام، آرزو می کنم و اجابت حق را مسئلت دارم.

این جا بر سرپروزی، دعاوست، ومن نیز موجی هستم که آرزو دارم به ساحل «پروزی» برسم، من خواهان موفقیت، ولی گیج شده ام و پیمانه را گم کرده ام. از تو یاری می خواهم. می خواهم بدانم که چگونه به آرزوهایم می رسم؟ چه کاری انجام دهم تا به موفقیت برسم؟ به آن چیزی که لیاقت خواستن آن را دارم...

در همین اندیشه ها غرق شده بودم که کاغذی دیدم، روی آن نوشته بود؛ یادداشتی از طرف خدا!

یادداشتی از طرف خدا

وقتی خدا بدرقه ام می کرد گفت: جایی که تو می روی پستی و بلندی های زیادی دارد، مشکلاتی که می توانند تو را خرد کنند اما تو نباید اندوهگین شوی و تو تنها نیستی من هم با تو هستم.

۱- در کوله بارت عشق می گذارم که بگذری، همه می نالند که قدرت پرواز ندارند در حالی که ملائکه ای فرستاده ام که بالهایشان به آسمان گشوده است. از آنها کمک بگیر. گله و شکوه کاری از پیش نمی برد، مرهم خسته دلان

تو خدای خویشنی

عشوه ی کذایی نیست. عشق موهبتی است که من به تو عطا کردم و منشأ آن، کسی است که خالق همه ی زیبایی هاست.

«حسن یوسف در دوعالم کس ندید حسن آن دارد که یوسف آفرید.»
از عشق ورزیدن دریغ نکن.

۲- در کوله بارت اهداف ارزشمندی گذاشته ام، در جستجوی آنها باش، تو می توانی بهترین را انتخاب کنی و خالق آینده ی خود باشی.

۳- در کوله بارت آرزوهایی وجود دارد که چنانچه به آنها فکر کنی، دیگر خواسته ی برآورده نشده ای برایت نمی ماند. تو همانی که بدان می اندیشی.

۴- گام های تو خواسته یا ناخواسته، شیفته یا آشفته روی به معراج دارند. این گودی عمیق دنیا در حال پر شدن است، و این آخرین فاصله هاست. زمان به سرعت می گذرد ولی تو در کوله بارت ثروتی داری که از آن غافل هستی، لحظه ی پر ارزش حال، همین امروز کاری کن.

۵- گذرت گاهی به جایی می افتد که آنجا همه چیز تلخ است و گاهی گوارا قدم های تو به جایی می رود که گاهی همه چیز تلخ است و گاهی گوارا. درد و غصه ها را برندار، اگر تو میزبان دردمندی ها شوی و آن ناراحتی ها را در کوله بارت بگذاری نمی توانی به خوشیهای آرزوهایت برسی.

۶- عادت های غلط و باورهای کهنه ی قدیمی را در کوله بارت نگهداری نکن، آنها را دور بریز تا سبک تر پرواز کنی، تو می توانی تفاوتی ایجاد کنی و تغییراتی عظیم به وجود آوری.

۷- چیزهای بسیاری وجود دارد که تو از آنها بی خبری، در پی جواب برای مجهولات خود باش، در مورد آنچه که نمی دانی بپرس.